

① که تواند شمار کرد؟ **سه** چه کسی می تواند بشمارد؟ **کتابه از کم ایک** هزار (کتابه از زیاد)

② بحر **دریا** بر **خشکی** بحر **بر** بحر **بر** بحر **بر**

لیل **سه** شب

انجم **سه** ستارگان

بهار **سه** روز

لیل **سه** بهار
نقاد



فضل من احسان و بیکاری

فضل خدا



هم معنی گریستن من زبان شود هر موی

یک شکر توار هزار نتوانم کرد (عطار نیشابوری)

۱ فضل خدای را، که تواند شمار کرد؟

یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟

۲ بحر آفرید و بر و درختان و آدمی

خورشید و ماه و آنجم و لیل و نهار کرد

۳ اجزای خاک مرده، به تاثیر آفتاب

بستان میوه و چمن و لاله زار کرد

۴ ابر، آب داد بچ درختان مرده را

شاخ برهنه، پیرهن نو بهار کرد

۵ توحیدگوی او، نه بنی آدم اند و بس

هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

۳ خاک مرده ← خاک بی جان

به آینه آفتاب ^{سعدی} به دلیل وجود نور خورشید

بستان ← باغ

۴ بچ ← پیشه

پیرهن نو بهار کرد ← سبزه

توحیدگوی او

۵ - کسی که بیگانه خدا را قبول دارد

بنی آدم ← انسانها

شاخسار ← شاخه درخت



۱. بخشش و بزرگواری خداوند قابل شمارش نیست. ✓

۲. خدای بزرگ به وسیله‌ی آفتاب، اجزای خاک مرده را به باغ میوه و چمن زار

تبدیل می‌کند. ✓

۳. فقط انسان‌ها می‌توانند به خوبی خداوند را ستایش کنند. ✗



زمستان

۱ در بیت « ابر آب داد، بیخِ درختانِ مُرده را شاخِ برهنه، پیرهنِ نوبهار کرد »
شاعر از چه فصل‌هایی سخن گفته است؟

۲ بیت « بحر آفرید و برّ و درختان و آدمی خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد »

را به زبان ساده بیان کنید. دریا، خشکی، درخت و انسان‌ها را خورشید، ماه، ستارگان
«آفتاب» و «ابر» را با هم مقایسه کنید و شباهت و تفاوت آنها را بگویید. شب و روز را بویچو دریا و روز

۳ هر دو باعث می‌شوند خاک مرده به زنده شود.

